

مقایسه میزان انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره کارشناسی پذیرفته شده از طریق طرح فراگیر و آزمون سراسری در دانشگاه پیام نور مرکز ساری

دکتر مهران فرج‌اللهی*

حمیرا کاکوئی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه میزان انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده از طریق طرح فراگیر و پذیرفته شدگان از طریق کنکور سراسری در دانشگاه پیام نور و اهداف فرعی آن، مقایسه انگیزه و پیشرفت دانشجویان این دو گروه در رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه و همچنین در بین دو گروه دختر و پسر بوده است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه پیام نور ساری هستند. روش این تحقیق، توصیفی از نوع زمینه‌یابی بوده و ابزار آن پرسشنامه استاندارد انگیزش که از سوی رمضان حسن‌زاده تهیه شده و دارای روایی بالا و پایایی ۸۶ درصد است و در تحقیقات متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، از میانگین نمرات دو نیمسال تحصیلی دانشجویان (اول و دوم ۸۶-۸۵) برای سنجش پیشرفت تحصیلی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون آماری t استفاده شده و مشخص شده است که بین میزان انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان فراگیر و سراسری به طور کلی اختلاف معناداری وجود ندارد ولی در بین دانشجویان گروه علوم پایه، میزان انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان سراسری بیشتر از دانشجویان فراگیر است. نتیجه مشخص دیگر در تحقیق این است که از لحاظ جنسیت، انگیزه و پیشرفت دانشجویان دختر بیشتر از پسر بوده است که به نظر می‌رسد مشکلات مربوط به اشتغال و هزینه فرصت از دست رفته و ابهام در بهره‌برداری مناسب از مدرک تحصیلی در آینده از جمله عوامل تأثیرگذار در این تفاوت باشد.

واژگان کلیدی: آزمون سراسری، طرح فراگیر، پیشرفت تحصیلی، انگیزه تحصیلی

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (مسئول مکاتبات: farajollahim@yahoo.com)

** رئیس گروه آموزش دانشگاه پیام نور مازندران

مقدمه

عصر حاضر را می‌توان دوران رشد و توسعه مؤسسات آموزش عالی در دنیا و از جمله ایران دانست. نقش و مسئولیت نظام آموزش عالی برای پرورش استعدادهای خلاق انسانی و گسترش مرزهای دانش و توسعه کشور بسیار مهم و ضروری است. پاسخگویی به نیازهای آموزشی و علمی کشور همواره از دغدغه‌های مسئولان نظام است. بی‌تردید آموزش عالی به جهت مسئولیتی که دارد برای حفظ و پویایی خود و رسیدن به اهداف مورد نظرش نیاز به برنامه‌ریزی، آینده‌نگری، کنترل مداوم کیفیت و بهبود روش‌های جذب، فرایند فعالیت و بازخورد دارد. در جریان این کنترل و بازنگری‌ها و با توجه به حجم عظیم تقاضا برای ورود به عرصه تحصیل در دوره آموزش عالی و نیاز به افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو دغدغه مسئولان را دو چندان می‌کند.

در این راستا، شیوه جدید جذب دانشجو به روش فراگیر که از ابتکارات دانشگاه پیام نور است، راهی برای رفع این معضل همگام با ادامه شیوه پذیرش سنتی از طریق کنکور سراسری بوده است. این شیوه از سال ۱۳۷۲ از سوی دانشگاه پیام نور به وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت ارائه شد و به تصویب رسید و مشتاقان زیادی را جذب دانشگاه کرد. از سال ۱۳۸۴ دانشگاه پیام نور با ایجاد تغییر در سیاست‌های جذب دانشجو و افزایش ظرفیت پذیرش تسهیلاتی را در نحوه ورود به دانشگاه ایجاد کرد و بدین ترتیب توانست رشد چشمگیری در افزایش پذیرش دانشجو داشته باشد، اما این افزایش و رشد کمی منجر به ایجاد زمینه‌های ذهنی متفاوت شد؛ یعنی تسهیل در شرایط پذیرش، موجب می‌شود افراد بدون دارا بودن شرایط علمی لازم وارد دانشگاه شوند و این امر منجر به افت کیفیت نظام آموزشی شود و یا بالعکس افرادی که بدون اعمال شرایط سخت وارد دانشگاه می‌شوند و رشته و مرکز را بر اساس علاقه و توانمندی خود آزادانه انتخاب می‌کنند، دارای انگیزه تحصیلی بالاترند و در نتیجه، پیشرفت بیشتری در تحصیل دارند. بنابراین، با توجه به تغییرات ایجادشده در شیوه پذیرش و ابهامات موجود، این مقاله در صدد مطالعه و بررسی شیوه جدید جذب دانشجو در دانشگاه پیام نور و میزان تأثیر آن بر انگیزه و در نهایت، پیشرفت تحصیلی دانشجویان و مقایسه آن با شیوه پذیرش کنکور سراسری (شیوه سنتی) است. سؤالات مطرح شده در این تحقیق عبارت‌اند از:

- آیا بین انگیزه تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده از طریق طرح فراگیر و دانشجویان پذیرفته شده از طریق آزمون سراسری تفاوتی وجود دارد؟
- آیا بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده از طریق طرح فراگیر و دانشجویان پذیرفته شده از طریق آزمون سراسری تفاوتی وجود دارد؟
- آیا بین نحوه پذیرش دانشجو و انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

آینده از آن کشورهایی است که سیاست گذاری های مناسب علم و فناوری خود را بر پایه اولویت های اقتصادی و اجتماعی به خوبی تنظیم می کنند. از جمله اولویت های اساسی در وضعیت کنونی، تلاش برای بستر سازی و پرورش استعداد های خلاق و توانمند است که می تواند پی ریزی جامعه علمی را ممکن سازد (بیات، ۱۳۸۱، ص ۱۴). محدودیت پذیرش دانشگاه ها، همه ساله انبوه عظیمی از افراد را در رشته های گوناگون پشت درهای بسته می گذارد و آموزش از راه دور چاره ای است برای این معضل که می تواند مسائل و مشکلات آموزشی حضوری و سنتی را حل کند.

با توجه به ویژگی های نظام آموزش از راه دور، کشورهای بسیاری برای نیل به اهداف آموزشی، اقتصادی و به طور کلی توسعه همه جانبه به سوی استفاده از نظام آموزش از راه دور روی آورده اند و دانشگاه هایی با استفاده از این نظام آموزشی تأسیس کرده اند. این نظام آموزشی، به علت داشتن قابلیت های لازم در جهت یاری دولت ها برای نیل به توسعه ملی و برنامه های مصوب با سهولت و هزینه کمتر دولت ها را به سوی استفاده از این نظام آموزشی ترغیب می کند. مطالعات نشان داده است که با استفاده از این نظام آموزشی، بعضی کشورها به برخی از اهداف ملی نائل آمده اند (پارسا نیارق، ۱۳۸۰: ۵).

آموزش باز و از راه دور

هولمبرگ^۱ آموزش از راه دور را بدین صورت بیان می کند: «اصطلاح آموزش از راه دور» اشکال متفاوتی از یادگیری و یاددهی در تمام سطوح را شامل می شود که تحت

نظارت مستمر و آنی راهنمایان حاضر در کنار فراگیران‌شان در کلاس یا نظایر آن نیست، اما آنان از برنامه‌ریزی راهنمایان و آموزش کارکنان یک مؤسسه آموزشی بهره می‌برند (رضایی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹). همچنین (فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۵) می‌نویسد: «آموزش از راه دور روشی است که دانشجو خود مسئول یادگیری‌اش است». زمانی و مقدس، آموزش از راه دور را نوعی روش ارتباطی با استفاده از رسانه به منظور یادگیری نظام‌مند می‌دانند که در آن فراگیر و آموزشگر، دور از یکدیگر قرار دارند (فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۰۶). تورپ^۱ و گروجن^۲ (۱۹۸۷) معتقدند که آموزش از راه دور می‌تواند محصول نوعی آموزش باز تلقی شود (پنالور، ۱۳۷۳: ۲).

آموزش از راه دور نوعی روش آموزشی است که یادگیری در آن فردی و مستقل و بستگی بر فراگیر است و گفتمان عناصر آموزشی از طریق رسانه و یک سازمان آموزشی هدایت می‌شود و همچنین ضمن توجه به تعامل یاددهنده و یادگیرنده به ارتباط غیرمجاورتی اجزای خود تأکید دارد (کشاوری، ۱۳۸۲). همچنین (سیف، ۱۳۷۰) معتقد است آموزش از راه دور یک شکل غیرمستقیم از آموزش است که از طریق رسانه‌های فنی مانند مکاتبه، مواد چاپی، مواد کمک آموزشی، وسائل دیداری شنیداری، تلویزیون و رایانه میسر است. پیر^۳ (۱۹۹۸) آموزش از راه دور را یک روش آموزش غیرمستقیم می‌داند که بر پایه جدایی جغرافیایی و احساسی معلم و فراگیر استوار است و روابط آموزشی معلم و فراگیر بر پایه قوانین فناورانه است که تدریس در آن بین دو حیطة حمایت کامل معلم و عدم حمایت کامل معلم از یادگیری قرار دارد. ویژگی این نظام آموزشی جدایی استاد و دانشجو از لحاظ فیزیکی و زمانی (پراتون^۴، ۱۹۹۸)، کنترل بخش عمده یادگیری به وسیله دانشجو (جوناسن^۵، ۱۹۹۲) و ارتباط از طریق نوشته یا اشکال دیگری از فناوری است (کیگان^۶، ۱۹۸۶).

شیوه پذیرش دانشجو در دانشگاه پیام نور

در راستای جذب و پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی و همگام با سایر دانشگاه‌ها، دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۶۶ اقدام به پذیرش دانشجو کرده و با برگزاری

1. Thorpe
2. Grugen
3. Pierr
4. Perraton
5. Jonasen
6. Keegan

آزمون اختصاصی و به شیوه سراسری در چهار رشته پذیرش دانشجو داشته است. از سال ۱۳۷۰ پذیرش دانشجوی پیام نور از طریق آزمون سراسری سازمان سنجش انجام شده و دانشجو پس از شرکت در آزمون سراسری و اخذ حدنصاب نمره علمی لازم می‌توانست یکی از رشته‌محل‌های دانشگاه پیام نور را به عنوان رشته و محل تحصیل خود انتخاب کند. این شیوه پذیرش دانشجو تاکنون نیز ادامه داشته و همه ساله تعداد زیادی از علاقه‌مندان به تحصیل در نظام آموزش از راه دور با انتخاب این دانشگاه در زمان تعیین رشته به دانشگاه پیام نور راه یافته و ادامه تحصیل می‌دهند.

شیوه دیگر گزینش دانشجو در این دانشگاه طرح فراگیر است. در این شیوه، به توان علمی داوطلب تکیه شده است و رقابت نقش ندارد، بلکه از طریق برگزاری آزمون ملاکی داوطلبان پذیرش می‌شوند. از سال ۱۳۷۲ از داوطلبان دارای مدرک دیپلم متوسطه نظام قدیم یا مدرک پیش دانشگاهی نظام جدید که دارای حدنصاب میانگین لازم (گروه ریاضی ۱۳، گروه علوم تجربی ۱۴ و گروه علوم انسانی ۱۵) بوده‌اند در این دوره‌ها ثبت نام می‌کردند. داوطلبان باید نمره حداقل ۱۰ از ۲۰ و معدل ۱۲ را کسب می‌کردند. از اواخر سال ۱۳۸۰ با حذف شرط معدل، هر داوطلب بدون توجه به نوع دیپلم یا مدرک پیش دانشگاهی در یکی از رشته‌ها ثبت نام و در آزمون مربوط شرکت می‌کرد و باید در دروس انتخابی آزمون حدنصاب نمره را کسب می‌کرد. علاوه بر این، میانگین ورود دانشپذیر بر اساس ۴۰ درصد میانگین دیپلم یا پیش دانشگاهی و ۶۰ درصد میانگین اولین نیمسال دانش‌پذیری محاسبه می‌شد. از سال ۱۳۸۴ دانشگاه پیام نور با ایجاد تغییر در سیاست‌های جذب دانشجو و افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو شیوه‌هایی را در جهت تسهیل در نحوه ورود به دانشگاه ایجاد کرده و تعداد دانشجویان خود را از ۳۰۰ هزار نفر به ۸۵۰۰۰۰ نفر و تعداد رشته‌محل‌های مقطع کارشناسی را از ۲۳۳۰ رشته‌محل به ۶۲۵۰ رشته‌محل افزایش داده است (معاونت آموزشی دانشگاه، حوزه برنامه‌ریزی، مرداد ۸۶) و بدین ترتیب تعداد کثیری از داوطلبان تحصیل در دانشگاه جذب این نظام آموزشی شدند.

پیشینه تحقیق

بنی‌هاشمی و عبدالله زادگان (۱۳۸۴) در تحقیقی که بر روی دانشجویان دانشگاه پیام نور استان مازندران انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که پیشرفت تحصیلی

دانشجویانی که از انگیزش درونی بالایی برخوردارند، از پیشرفت تحصیلی سایر دانشجویان که انگیزه کمتری دارند، بیشتر است.

زارعی علیرضا (۱۳۸۰) سبحانی نژاد و عابدی (۱۳۸۵) بطحایی (۱۳۷۶) در تحقیقات خود به رابطه مثبت و معنی دار انگیزه بر پیشرفت تحصیلی دست یافتند. همچنین زاهدبیگی و آبام (۱۳۷۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که هر چقدر دانشجویان در زمان انتخاب رشته و در بدو ورود به دانشگاه علاقه بیشتری به رشته انتخابی داشته باشند، تمایل بیشتری به پرداختن به شغل مرتبط با رشته، پس از دانش آموختگی از خود نشان داده‌اند. آمار انتخاب رشته دانشجویان در این تحقیق نشان داده بود که اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان در ابتدا خواستار ادامه تحصیل در رشته دیگری بوده و برای اینکه بالاخره به دانشگاه راه یابند علی‌رغم علاقه و انگیزه کافی، رشته خود را انتخاب کرده بودند و عدم علاقه و انگیزه، نیز تأثیر معناداری بر عملکرد تحصیلی آنان گذاشته است (بنی‌هاشمی و عبدالله زادگان، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸).

راسل^۱ (۱۹۹۳) نیز به اهمیت علاقه‌مندی دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه تأکید داشت و اثرات آن را بر موفقیت تحصیلی بیان کرده است. فراگیرانی که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم هستند در پیشرفت تحصیلی تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند و بخشی از این تفاوت‌ها به حوزه انگیزش مربوط می‌شود. دیسی^۲، نزلک^۳، شینمن^۴ (۱۹۸۱) ماتنی^۵ و ادواردز^۶ (۱۹۷۴) راینی^۷ (۱۹۶۵) پاسکارلا^۸، وابرگ^۹، جانکر^{۱۰} و هارتل^{۱۱} (۱۹۸۱) در تحقیقات خود به تأثیر مثبت حق انتخاب برانجام تکلیف دانش‌آموز پی برده و آن را تأیید کرده‌اند (حسن زاده و عمومی، ۱۳۸۱: ۸۴).

بلوم^{۱۲} رابطه بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی را با ضریب همبستگی ۵۰ درصد گزارش کرده است (سیف، ۱۳۸۰). همچنین، در تحقیقی که در سال ۱۹۹۲ در کانادا

1. Russell
2. Deci
3. Nezelek
4. Sheinman
5. Matheny
6. Edwards
7. Rainey
8. Pascarella
9. Wallberg
10. Junker
11. Haertel
- 12 - Bloom

بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی اجراء شد، مشخص شد که دانش‌آموزانی که انگیزه تحصیلی بالاتر داشتند، پیشرفت تحصیلی آنان نیز بیشتر بوده است (زارعی، ۱۳۸۰). در خصوص مقایسه دانشجویان آموزش از راه دور با دانشجویان پذیرفته‌شده سنتی تحقیقات متعددی انجام شده است. در این رابطه، نتایج یافته مک فارلند^۱ (۱۹۹۶) اشاره بر بالا بودن نمرات دانشجویان آموزش از راه دور نسبت به دانشجویان سنتی و حضوری دارد. گارسیون^۲ (۱۹۸۷) و فراهانی (۱۳۸۰) معتقدند که در بعضی از رشته‌های تحصیلی کیفیت تحصیل و آموزش دانشجویان آموزش از راه دور نسبت به دانشجویان سنتی بیشتر است. ریچارد اف، والترز، نانسی^۳ (۱۹۹۶) و دنمن^۴ (۱۹۹۵) (۱۹۹۵) معتقدند که کیفیت یادگیری و برونداد آموزش از راه دور نسبت به آموزش حضوری بیشتر است. یافته‌های فراهانی (۱۳۷۶) و کشاورز (۱۳۸۲) نیز حکایت از یادگیری بهتر دانشجویان رشته تربیت بدنی نظام آموزش از راه دور نسبت به دانشجویان سنتی دارد.

به رغم تحقیقات متعددی که در خصوص پیشرفت تحصیلی و انگیزه تحصیلی تاکنون به عمل آمده است اما در خصوص مقایسه پیشرفت و انگیزه تحصیلی بین دانشجویان فراگیر و دانشجویان پذیرفته‌شده از طریق کنکور سراسری تنها سه تحقیق انجام شده که از سوی میرزایی (۱۳۷۸)، نعمتی خجسته (۱۳۸۳) و فرج‌اللهی و فیروزفر (۱۳۸۵) است که نشانگر پیشرفت تحصیلی دانشجویان فراگیر نسبت به دانشجویان سراسری است. پس از انجام تغییرات اصلاحی در شرایط پذیرش دانشجویان فراگیر از سال ۸۴-۸۵ تاکنون تحقیق خاصی در این زمینه انجام نشده است.

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش، مقایسه میزان انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پذیرفته‌شده به روش فراگیر با پذیرفته‌شدگان از طریق کنکور سراسری بوده و اهداف فرعی آن مقایسه انگیزه و پیشرفت دانشجویان این دو گروه در رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه و همچنین در بین دو گروه دختر و پسر بوده است.

1. Mc forland
2. Gorrison
3. Richard F. Walters. Nanci
4. Den man

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی از نوع زمینه‌یابی بوده و جامعه آماری آن را کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز ساری در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ تشکیل داده‌اند که مشتمل بر ۵۷۸۷ نفر (۵۰۲۶ نفر سراسری و ۷۶۱ نفر فراگیر) بوده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای و بر حسب نوع پذیرش و جنسیت دانشجویان بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی^۱ که از سوی حسن زاده (۱۳۸۱) تهیه شده و در چندین طرح تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفته است و میانگین نمرات دو نیمسال تحصیلی اول و دوم ۸۶-۸۵ دانشجویان که بر اساس اطلاعات موجود در پرونده تحصیلی دانشجویان به دست آمده است، می‌باشد. پرسشنامه انگیزش تحصیلی بر اساس مقیاس لیکرت بوده و از کاملاً درست ۵ امتیاز تا کاملاً غلط ۱ امتیاز است و دامنه مقیاس نمرات آن بین ۳۰ تا ۱۵۰ است. هر چقدر نمره در این مقیاس بیشتر باشد، فرد دارای انگیزش تحصیلی بالاتر و هر چقدر کمتر باشد دارای انگیزش تحصیلی کمتری است.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با استفاده از آمار توصیفی به توصیف داده‌ها، محاسبه درصدها، تهیه جداول فراوانی، محاسبه میانگین و رسم نمودارها پرداخته شده است؛ همچنین با استفاده از آمار استنباطی با استفاده از آزمون t به مقایسه میانگین دو گروه و مقایسه میزان انگیزش آنها استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS که موجب صرفه‌جویی در وقت و دقت در محاسبات می‌شد استفاده شد.

سؤال (۱) آیا بین انگیزه تحصیلی دانشجویان سراسری و فراگیر تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول (۱) مقایسه میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان سراسری و فراگیر

نوع پذیرش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	p
سراسری	۲۶۴	۱۱۷/۳۸	۱۶/۵۶	۳۶۰	۰/۳۴	۰/۷۲
فراگیر	۹۹	۱۱۸/۰۸	۱۷/۷۸			$p = ۰/۷۲ \geq ۰/۰۵$

همان‌طور که داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهد، چندان تفاوتی بین میانگین نمره انگیزه تحصیلی دانشجویان دوره سراسری و فراگیر مشاهده نمی‌شود (۱۱۷/۳۸ سراسری و ۱۱۸/۰۸ فراگیر) و آزمون t مستقل هم این نتیجه را تأیید کرده است؛ زیرا مقدار t به دست آمده از پژوهش برابر با ۰/۳۴ از مقدار t جدول بحرانی با درجه آزادی ۳۶۰ و در سطح احتمال $p=۰/۰۵$ برابر با ۱/۹۶ کوچک‌تر است.

سؤال (۲) آیا بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان سراسری و فراگیر تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول (۲) مقایسه میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان سراسری و فراگیر

نوع پذیرش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	p
سراسری	۲۶۴	۱۳/۲۲	۲/۱۹	۳۶۱	۰/۴۴	۰/۶۵
فراگیر	۹۹	۱۳/۱۰	۲/۴۶			$p = ۰/۶۵ \geq ۰/۰۵$

همان‌طور که داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد، چندان تفاوتی بین میانگین پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره سراسری و فراگیر مشاهده نمی‌شود (۱۳/۲۲ سراسری و ۱۳/۱۰ فراگیر) و آزمون t مستقل هم این نتیجه را تأیید کرده است؛ زیرا مقدار t به دست آمده از پژوهش برابر با ۰/۴۴ از مقدار t جدول بحرانی با درجه آزادی ۳۶۱ و در سطح احتمال $p=۰/۰۵$ برابر با ۱/۹۶ کوچک‌تر است.

سؤال (۳) آیا بین انگیزه تحصیلی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه دوره سراسری و فراگیر تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول (۳) مقایسه میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه سراسری و فراگیر

جنسیت	نوع پذیرش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار t	p
علوم انسانی	سراسری	۱۹۴	۱۱۷/۹۵	۱۶/۴۰	۲۶۷	۱/۷۵	۰/۰۸
	فراگیر	۷۶	۱۲۱/۸۰	۱۵/۳۸			
علوم پایه	سراسری	۷۰	۱۱۵/۸۰	۱۷/۱۰	۹۱	۲/۲۹	۰/۰۲
	فراگیر	۲۳	۱۰۵/۹۶	۱۹/۹۲			

همان‌طور که داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد، در رشته علوم انسانی بین انگیزه تحصیلی دو گروه سراسری و فراگیر چندان تفاوتی مشاهده نشد (۱۱۷/۹۵ انسانی

سراسری و ۱۲۱/۸۰ انسانی فراگیر)، آزمون t مستقل هم این نتیجه را تأیید کرده است زیرا مقدار p به دست آمده از پژوهش در گروه انسانی برابر با ۰/۰۸ که از سطح احتمال در نظر گرفته شده برابر با ۰/۰۵ بزرگتر مشاهده شد اما در رشته علوم پایه بین انگیزه تحصیلی دو گروه سراسری و فراگیر تفاوت مشاهده شد (۱۱۵/۸۰ سراسری و ۱۰۵/۹۶ فراگیر)، آزمون t مستقل هم این تفاوت را تأیید کرده است؛ زیرا مقدار p به دست آمده از پژوهش در گروه علوم پایه برابر با ۰/۰۲ از سطح احتمال در نظر گرفته شده برابر با ۰/۰۵ کوچکتر است.

سؤال (۴) آیا بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه دوره سراسری و فراگیر تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول (۴) مقایسه میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه سراسری و فراگیر

جنسیت	نوع پذیرش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار t	p
علوم انسانی	سراسری	۱۹۴	۱۳/۱۴	۲/۱۲	۲۶۸	۱/۵۰	۰/۱۳
	فراگیر	۷۶	۱۳/۵۸	۲/۱۸			
علوم پایه	سراسری	۷۰	۱۳/۴۳	۲/۳۹	۹۱	۳/۲۰	۰/۰۰۲
	فراگیر	۲۳	۱۱/۵۳	۲/۷۱			

همانطور که داده‌های جدول (۴) نشان می‌دهد، در گروه علوم انسانی، بین پیشرفت تحصیلی دو گروه سراسری و فراگیر چندان تفاوتی مشاهده نشد (۱۳/۱۴ انسانی سراسری و ۱۳/۵۸ انسانی فراگیر)؛ زیرا مقدار p به دست آمده در گروه علوم انسانی $p = 0.13 > 0.05$ در حالی که در گروه علوم پایه، پیشرفت دانشجویان سراسری از فراگیر بیشتر است و $p = 0.002 < 0.05$ و آزمون t مستقل هم این تفاوت را تأیید کرده است.

سؤال (۵) آیا بین انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر و پسر دوره سراسری و فراگیر تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول (۵) مقایسه میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر و پسر سراسری و فراگیر

جنسیت	نوع پذیرش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار t	p
دختر	سراسری	۱۸۵	۱۱۸/۴۹	۱۵/۷۸	۲۵۳	۰/۸۸	۰/۳۸
	فراگیر	۷۱	۱۲۰/۴۶	۱۶/۴۳			
پسر	سراسری	۷۹	۱۱۴/۸۰	۱۸/۱۸	۱۰۵	۰/۶۴	۰/۵۱
	فراگیر	۲۸	۱۱۲/۱۴	۱۹/۸۶			

همان‌طور که داده‌های جدول (۵) نشان می‌دهد، در هیچیک از دو گروه بین میانگین نمره انگیزه تحصیلی دانشجویان دختر با دختر و پسر با پسر تفاوت مشاهده نمی‌شود (۱۱۸/۴۹ دختر سراسری و ۱۲۰/۴۶ دختر فراگیر)، (۱۱۴/۸۰ پسر سراسری و ۱۱۲/۱۴ پسر فراگیر) و آزمون t مستقل هم این نتیجه را تأیید کرده است؛ زیرا مقدار p به دست آمده در گروه دختران برابر با ۰/۳۸ و در گروه پسران برابر با ۰/۵۱ هر دو از سطح احتمال در نظر گرفته شده برابر با ۰/۰۵ بزرگ‌تر است.

سؤال (۶) آیا بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر و پسر دوره سراسری و فراگیر تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول (۶) مقایسه میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر و پسر سراسری و فراگیر

جنسیت	نوع پذیرش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	df	مقدار t	p
دختر	سراسری	۱۸۵	۱۳/۴۷	۲/۰۴	۲۵۴	۰/۰۹	۰/۹۲
	فراگیر	۷۱	۱۳/۴۴	۲/۴۵			
پسر	سراسری	۷۹	۱۲/۶۳	۲/۴۲	۱۰۵	۰/۷۵	۰/۴۵
	فراگیر	۲۸	۱۲/۲۳	۲/۳۱			

همان‌طور که داده‌های جدول (۶) نشان می‌دهد در هیچیک از دو گروه نوع پذیرش بین میانگین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر با دختر و پسر با پسر تفاوت مشاهده نمی‌شود (۱۳/۴۷ دختر سراسری و ۱۳/۴۴ دختر فراگیر)، (۱۲/۶۳ پسر سراسری و ۱۲/۲۳ پسر فراگیر) و آزمون t مستقل هم این نتیجه را تأیید کرده است؛ زیرا مقدار p به دست آمده در گروه دختران برابر با ۰/۹۲ و در گروه پسران برابر با ۰/۴۵ هر دو از سطح احتمال در نظر گرفته شده برابر با ۰/۰۵ بزرگ‌تر مشاهده شدند و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توانیم قضاوت کنیم که پیشرفت تحصیلی دختران و پسران دو دوره سراسری و فراگیر یکسان است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق مشخص می‌شود که به رغم اینکه در تحقیقات گذشته میرزایی (۱۳۷۸) و نعمتی و یارمطلقو (۱۳۸۳) و فیروزفر (۱۳۸۴) به این نتیجه رسیده بودند که پیشرفت تحصیلی دانشجویان پذیرفته‌شده از طریق فراگیر بیشتر از دانشجویان پذیرفته‌شده از طریق آزمون سراسری است، اما در این تحقیق، تفاوت قابل توجهی ملاحظه نشده است و به نظر می‌رسد که اعمال ضرایب در نمرات ورودی و تغییر در نحوه جذب دانشجو بدون احراز حد نصاب نمرات علمی لازم، تنها زمینه ورود به دانشگاه را فراهم می‌کند. همچنین نتایج تحقیق نشان داده است که پیشرفت تحصیلی و انگیزش در همه گروه‌های آموزشی یکسان نیست؛ به طوری که، در گروه علوم انسانی، انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان سراسری و فراگیر اختلاف معناداری نداشته است اما در گروه علوم پایه انگیزه و پیشرفت دانشجویان سراسری بیشتر از دانشجویان فراگیر بوده است و نشان‌دهنده آن است که در رشته‌های علوم پایه که دانشجو نیاز به پیش‌زمینه‌های علمی کافی برای یادگیری و موفقیت در دروس دانشگاهی دارد، دچار مشکل افت تحصیلی خواهد شد. نتایج نیز نشان داد که پذیرش فراگیر در گروه علوم انسانی موفقیت بیشتری داشته است.

نتایج حاصله از میزان ارتباط بین نوع پذیرش و رتبه انگیزش نشان داد که بین نوع پذیرش و رتبه انگیزش آنان اختلاف معناداری وجود ندارد؛ یعنی به رغم اینکه تصور آن می‌رفت که آزادی و اختیار دانشجویان در انتخاب رشته و شهر مورد نظر بدون در نظر گرفتن رتبه قبولی که تنها بر اساس علاقه‌مندی انجام می‌شد می‌تواند بر روی انگیزه آنان برای تحصیل و موفقیت تحصیلی مؤثر باشد، اما دو جامعه مزبور با سطح اعتماد ۹۵ درصد با هم مشابه بوده و مقدار آن برابر با $\text{sig} = ۰/۷۲$ و $\text{df} = ۳۶۰$ و $t = -۰/۳۴۹$ شده است و به نظر می‌رسد، عوامل دیگری در این دانشگاه بر انگیزه دانشجویان تأثیرگذار است که نیاز به تحقیق جداگانه دارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر و پسر در دو گروه فراگیر و سراسری تفاوت ندارد اما در مجموع دانشجویان دختر در دانشگاه پیام نور انگیزه و پیشرفت بیشتری نسبت به دانشجویان پسر دارند. با توجه به اینکه دانشجویان پسر به علت مشکلات اقتصادی و مسائل مربوط به اشتغال و هزینه فرصت از دست رفته، گرایش بیشتری به کار دارند و تحصیل را در اولویت بعدی قرار می‌دهند و حتی در حین تحصیل نیز به دلیل ابهاماتی که در بهره‌برداری مناسب از مدرک تحصیلی در آینده برای آنان وجود دارد، تمایل و انگیزه لازم برای تلاش و کسب موفقیت تحصیلی را ندارند و به نظر می‌رسد این موضوع نیاز به تحقیق دیگری دارد.

پیشنهادها

- بر اساس نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود:
- با توجه به تفاوت در نتایج به دست آمده این تحقیق و تحقیقات مشابه که قبلاً صورت گرفته است، به نظر می‌رسد افزایش پذیرش دانشجو از طریق طرح فراگیر به خصوص در گروه علوم پایه نیاز به بازنگری جدی‌تری دارد؛
 - از اعمال ضرایب متفاوت در زمان پذیرش دانشجو که موجب اعمال سلیقه در جذب دانشجوی رشته‌های مختلف فراگیر می‌شود خودداری شود؛
 - از آنجا که انگیزش عاملی است که دانشجو را به تلاش بیشتر وادار می‌کند پیشنهاد می‌شود مسئولان امر به شناسایی علت کاهش انگیزه دانشجویان و ایجاد زمینه‌های افزایش انگیزش توجه بیشتری کنند؛
 - به مسئولان دانشگاه با ایجاد شرایطی همانند مسابقات علمی، کلاس‌های تقویتی و کلاس‌های فن مطالعه و تجهیز کتابخانه‌ها و سایت‌ها زمینه پیشرفت بیشتر دانشجویان را به خصوص در رشته‌هایی که پیشرفت تحصیلی کمتری دارند، فراهم آورند؛
 - با توجه به اینکه پیشرفت و انگیزه تحصیلی دانشجویان پسر کمتر از دختر است، تحقیقی در این زمینه به عمل آید تا علت آن، شناسایی و مشکلات مربوطه مرتفع شود؛
 - برای شناسایی علل مختلفی که بر انگیزه و پیشرفت دانشجویان در دانشگاه پیام‌نور تأثیرگذار است، لازم است تحقیق دیگری به عمل آید.

مشکلات و محدودیت‌های تحقیق

- عدم وجود تحقیقات کافی در زمینه موضوع پژوهش،
- عدم علاقه و دقت بعضی از دانشجویان در پاسخگویی به پرسشنامه،
- محدود بودن آمار دانشجویان فراگیر در بعضی از رشته‌ها.

منابع

- بنی‌هاشمی، عبدالله و عبدالله زادگان اشرف (۱۳۸۴). بررسی رابطه انگیزش - عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور استان مازندران. طرح پژوهشی، ساری، دانشگاه پیام نور.
- بیات، مهرداد (۱۳۸۱). آینده علم و فناوری در ایران و جهان. فصلنامه علمی پژوهشی شریف ویژه فناوری اطلاعات، سال هیجدهم، بهار: ص ۱۴.
- پارسا نیارق، فریدون (۱۳۸۰). کارایی نظام آموزش از راه دور در تربیت و آموزش ضمن خدمت معلمان. مجموعه مقالات دومین کنفرانس آموزش باز و از راه دور، اردیبهشت ماه، تهران: دانشگاه پیام نور.
- پنالور، لوئیس (۱۳۷۳). آموزش از راه دور یک استراتژی برای توسعه. ترجمه آزاده فتحعلی خانی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور شماره ۲۴.
- حسن زاده، رمضان و عمویی نرجس (۱۳۸۰). انگیزش برای یادگیری، مشهد، دنیای پژوهش.
- رضایی، محمد هاشم (۱۳۸۰). یادگیری مستقل در نظام آموزش از راه دور. مجموعه مقالات دومین کنفرانس آموزش باز و از راه دور، اردیبهشت ماه، تهران، دانشگاه پیام نور.
- زارعی، علیرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین سبک‌های اسنادی و انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در میان دانش آموزان سال دوم رشته ریاضی دبیرستان‌های دولتی شهر اراک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اراک: دانشگاه تربیت معلم.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۰). آموزش معلم‌محور و آموزش کتاب‌محور. مجموعه مقالات سمینار تخصصی آموزش از راه دور، تهران، دانشگاه پیام نور.
- فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۰). نقش خودآموزی و مطالعه مستقل در یادگیری درس‌های تربیت بدنی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس آموزش باز و از راه دور، اردیبهشت ماه: تهران، دانشگاه پیام نور.
- فیروزفر، ایرج و فرج‌اللهی، مهران (۱۳۸۵). مقایسه پیشرفت تحصیلی پذیرفته‌شدگان دوره‌های کارشناسی ارشد فراگیر با پذیرفته‌شدگان همان مقطع از طریق آزمون سراسری در دانشگاه پیام نور. تهران: مجله آموزش عالی.

کشاوری، لقمان (۱۳۸۲). آموزش از راه دور با استفاده از رسانه‌ها. اولین همایش توسعه دانشگاه مجازی ۱۳۸۲ کاشان: مرسل.
 میرزایی، اردوان (۱۳۷۸). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره‌های فراگیر با دانشجویان پذیرفته شده آزمون سراسری. طرح پژوهشی، تهران: دانشگاه پیام نور.
 نعمتی خجسته، بهناز و یارمطافلو، لیلا (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی دانشجویان آزمون سراسری و فراگیر دانشگاه پیام نور مرکز همدان در سال تحصیلی ۸۳-۸۲. همدان.

- Russell, E. B. (1993). Attracting youth to Agriculture: How college of agriculture can expand their role. *journal of extension*, 31 (winter) 13-14.
- Mc Farland. T. W. (1996). *Results from a common final examination: A comparison between on campus students and off campus students*. (ERIC Document Reproduction service No. ED 403-821).
- Garrison, D. R (1987). *The role of technology in Distance Education new direction for continuing education*, PP. 41-43.
- Richard F. Walters, Nancy E. Reed (1996). *Outcome analysis of Distance learning: A comparison between conventional and Independent study Instruction*. Department of computer Science university of California, Davis.
- Denman, W. N. (1995, November). *Bridging the gap: Teaching a basic public speaking course over satellites television*. Reports - Evaluative; Speeches/Meeting Papers.
- Perraton, H. (1998). *A theory for distance education*. In, Sewait keegan, and B. Holmberg (Ed) *Distance education: International Perspectives* (P.37) New York: Routledge.
- Pieere, p. (1998). Distance learning in physical Education. *Quest*, 50(4),pp.344-356.Ej 576391.
- Jonassen, DH (1992). *Applications and limitations of hyper text technology for distance learning*. Paper presented at the distance learning work shop, Armstrong.
- Keegan, D. (1986). *The foundations of distance education*. London: Groom Helm.